

فارسی ۸ام

جواد امیرسلاری

ورایش ۱۴۰۲



- پاسخ سؤالات خودارزیابی و فعالیت های نوشتاری
- شرح ابیات و عبارات و دانش ها به صورت درس به درس و سطر به سطر
- ارائه ۵۵۰ پرسش تکمیلی شامل نکته های زبانی، ادبی و درک متن با پاسخ تشریحی
- ارائه ۵۲۰ پرسش چهار گزینه ای طبقه بندی شده دانش های زبانی، ادبی و درک متن

بسم الله الرحمن الرحيم



فارسی، هشتم

(دوره اول متوسطه)

مجموعه کتاب های نگاه نو

نگاه

مؤلف جواد امیرسالاری

چون در تهیه ی مطالب این کتاب وقت و
هزینه زیادی صرف شده است، بنابراین
هر گونه کپی از مطالب آن یک نوع سرقت
تلقی می شود و حرام و خلاف انسانیت است.



تقدیم می شود به همه دبیران ادبیاتی که در اعتلای زبان فارسی این سرزمین تلاش می کنند.

هیچ شخص حقیقی یا حقوقی حق چاپ و نشر	سرشناسه	: امیر سالاری، جواد، ۱۳۳۹ -
تمام یا بخشی از این کتاب را به هر صورت اعم از	عنوان و نام پدیدآور	: فارسی هشتم (دوره اول متوسطه) / مؤلف جواد امیر سالاری.
فتوکپی، چاپ کتاب و جزوه و یا حتی برداشت به	مشخصات نشر	: شیراز: نگاه نو فرهنگ، ۱۴۰۴.
صورت دست نویس ندارد و متخلفین به موجب	مشخصات ظاهری	: ۲۸۸ ص: ۲۲ × ۲۹ س.م.
بند ۵ از ماده ۲ قانون حمایت از مؤلفین و	فروست	: مجموعه کتاب های نگاه نو
ناشرین تحت پیگرد قانونی قرار خواهند گرفت.	شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۵۲۴۲-۳۱-۲۹
	وضعیت فهرست نویسی	: فیپای مختصر
	یادداشت	: چاپ دوازدهم
	شماره کتابشناسی ملی	: ۸۹۲۰۷۱۵
	اطلاعات رکورد کتابشناسی	: فیپا

مجموعه کتاب های نگاه نو

فارسی هشتم (دوره اول متوسطه)

مؤلف جواد امیر سالاری

محل نشر شیراز

ناشر نگاه نو فرهنگ

نوبت چاپ دوازدهم - ۱۴۰۴

شمارگان ۲۰۰۰

شابک ۹۷۸-۶۲۲-۵۲۴۲-۳۱-۹

ویراستار و صفحه آرا حلیمه کاشانی

لیتوگرافی، چاپ و صحافی سلمان فارسی قم

قیمت ۴۰۰،۰۰۰ تومان



سامانه فروش اینترنتی: www.negahenow.com

شماره تماس با ناشر: ۰۹۹ ۲۵ ۶۰ ۴۵ ۴۹

توجه: چون در تهیه مطالب این کتاب وقت و هزینه زیادی صرف شده است، بنابراین هرگونه کپی و اسکن از تمام یا بخشی از صفحات کتاب و نشر آن در فضای مجازی یا حقیقی یک نوع «جرم و سرقت» محسوب شده و حرام و خلاف اخلاق است.

«ای که بی نامت سخن آغاز نیست نقش عشقت جز به دل ممتاز نیست»

سخنی با دانش آموزان و همکاران گرامی

به یاد خدای مهربانی که ادب را زیباترین جلوه بندگی و یاد خود را آرامبخش جانها قرار داد. به نام او که هیچ شروعی بی نامش سامان نمی یابد و هیچ پایانی بی ذکرش کمال نمی گیرد. این کتاب با نگاهی نو به ادبیات فارسی نگاشته شده تا دانش آموزان را به لذت، معرفت و زیبایی های این جهان شگفت انگیز رهنمون سازد.

ویژگی های کتاب:

۱- مطالب کتاب به صورت درس به درس و سطر به سطر شرح شده و از نظر معنی و مفهوم، واژه، آرایه و دستور زبان مورد بررسی قرار گرفته است. این ساختار کمک می کند، دانش آموزان، هر درس را گام به گام و به طور کامل درک کنند.

۲- تاریخ ادبیات هر درس، با توجه به اهمیت موضوع و منابع کتاب، در قالب جدول و در فضای مناسب پس از شرح درس ارائه شده است.

۳- پاسخ سؤالات پایانی هر درس، شامل خودارزیابی و فعالیت های نوشتاری، در پاورقی همان صفحه ارائه شده است تا دانش آموزان بتوانند بلافاصله پس از مطالعه هر درس پاسخ های خود را بررسی کنند.

۴- برای فعال سازی دانش آموزان و تقویت توانایی فهم و درک مطلب، در پایان هر درس مجموعه ای از «سؤالات تکمیلی» شامل دانش های زبانی و ادبی و درک مطلب با پاسخ تشریحی ارائه شده است. این بخش شامل ۵۷۵ سؤال است که مهم ترین نکات و مفاهیم هر درس را مورد سنجش قرار می دهد و مطالعه آن توصیه ویژه دارد.

۵- واژگان کتاب علاوه بر شرح و توضیح در متن درس، به صورت جدول نموداری در ابتدای هر درس نیز ارائه شده است. این کار فرایند آموزش را ساده تر کرده و به ویژه در ایام امتحانات، کمک شایانی به دانش آموزان می کند.

۶- در بخش دوم کتاب، ۵۷۲ پرسش چهارگزینه ای طبقه بندی شده به همراه پاسخ تشریحی ارائه شده است. دانش آموزان پس از آموزش هر درس با پاسخ گویی به این سؤالات، آمادگی بیشتری برای آزمون های ورودی پایه دهم پیدا می کنند. برخی از سؤالات با علامت ستاره مشخص شده اند؛ این علامت نشان دهنده سطح فراتر از مطالب کتاب درسی است و مناسب دانش آموزانی است که می خواهند با سؤالات دشوارتر آشنا شوند.

۷- از آنجا که فعالیت های بخش «گفت و گو» مربوط به مهارت های گفتاری است، پاسخ این بخش ارائه نشده تا فرصت پرورش توانایی سخن گفتن در کلاس فراهم شود.

۸- نکات دستوری تمامی ابیات و عبارات دشوار به طور گسترده در ذیل هر بیت یا عبارت شرح شده است. لازم به ذکر است که مطالعه همه نکات الزامی نیست و هر دانش آموز می تواند متناسب با سطح دانش خود یا انتظارات دبیر محترم از این نکات بهره برداری نماید.

۹- در آغاز هر متن، رمزینه ای (QR کد) قرار گرفته است که با اسکن آن توسط تلفن همراه، فایل صوتی خوانش همان متن، پخش می شود. این قابلیت فرصتی ارزشمند برای شما دانش آموزان عزیز است تا متن ها را با تلفظی صحیح و بیانی روان بشنوید.

بر خود لازم می دانم مراتب قدردانی خویش را از همسر گرامی ام، سرکار خانم حلیمه کاشانی، که در آماده سازی و پردازش نهایی این کتاب با صبوری و دقت نظر و همراهی بی دریغ کوشیدند، ابراز دارم. همچنین از تمامی همکارانی که با پشتیبانی و دلگرمی های خویش انگیزه این تلاش را فزونی بخشیدند، سپاس ویژه دارم.

«جواد امیرسالاری»

ستایش

ای نام نکوی تو، سردفتر دیوان‌ها

وی طلعت روی تو، زینت ده عنوان‌ها

مستوره کردستانی

لغت: نکو: زیبا، خوب سردفتر: آغاز هر نوشته طلعت*: درخشندگی

دیوان: مجموعه شعرهای یک شاعر عنوان: سرآغاز

معنی: ای خدایی که نام زیبای تو، آغاز هر نوشته و کتابی است و درخشندگی رویت
آرایش دهنده سرآغازهاست.

تعداد جمله: ۴ ای [خدایی که] نام نکوی تو، سردفتر دیوان‌ها [است]

ای [خدایی که] طلعت روی تو، زینت ده عنوان‌ها [است]

موارد حذف ← حذف منادا (خدا) در ابتدای دو جمله و فعل (است) در پایان دو جمله

دانش زبانی: نام نکوی تو / طلعت روی تو ← نهاد

سردفتر دیوان‌ها / زینت ده عنوان‌ها ← مسند

نوع ترکیب: اضافی ← نام تو / سردفتر دیوان‌ها / طلعت روی / روی تو / زینت ده عنوان‌ها

وصفی ← نام نکو

ستایش: به نام خدایی که جان آفرید

الهیت*	خدایی	بخت*	اقبال، عزّت، خوشبختی	فرومانده	ناتوان، عاجز، درمانده
پوزش پذیر*	پذیرندهٔ پوزش	بنی آدم*	انسان، فرزندان آدم	گُنه*	ذات، پایان و حقیقت چیزی
جلال	عظمت، بزرگی	پرستار*	مطیع، فرمانبردار	ماهیت*	حقیقت، ذات، چیستی
دستگیر*	یارِ بگر، مددکار	تأمل کردن*	اندیشیدن، درنگ کردن	متفق*	هم فکر، همراهی، هم داستان
ماورا*	آن سوی	جمال*	زیبایی، نیکویی	مُحال*	غیر ممکن، ناشدنی
ماورای*	برتر از، بالاتر از	خلیل	لقب حضرت ابراهیم		
صفا*: پاکی، خلوص، پاک دلی، پاکیزگی		منتها*(منتهی): آخر، به پایان رساننده			

قالب شعر: مثنوی

شرح آیات

«بوستان»، سرودهٔ سعدی

۱ به نام خداوند جان آفرین حکیم سخن در زبان آفرین^۱

لغت: جان آفرین: آفریننده جان
حکیم: از نام‌های خداوند

معنی: به نام خدایی شروع می‌کنم که روح و جان آدمی را آفرید. حکیمی که به انسان قدرت سخن گفتن داد.

دانش ادبی: تلمیح: اشاره به آیه «خَلَقَ الْإِنسَانَ، عَلَّمَهُ الْبَيَانَ»

۲ خداوند بخشنده دسـتگیر کریم خطـابـخش پوزشـپذیر

لغت: دستگیر*: یارِ گر، مددکار کریم: از نام های خداوند پوزش پذیر*: پذیرندهٔ پوزش

معنی: خداوند بخشنده‌ای که یا دیگر انسانهاست. کریمی که خطاها را می‌بخشد و توبه‌پذیر است.

نکته: در این بیت به صفات الهی چون «بخشندگی، دستگیری، خطا بخشی و پوزش پذیری»، تأکید شده است.

دانش ادبی: واج آرایبی: تکرار واج‌های «—» و «ش»

دانش زبانی: عبارت [سخن را آغاز می کنم] ← در پایان بیت به قرینه معنایی حذف شده است.

۳ پرستار امرش ہمہ چیز و کس بنی آدم و مرغ و مور و مگس^۳

لغت: پرستار*: مطیع، فرمانبردار بنی آدم*: انسان، فرزندان آدم مرغ: پرندہ مور: مورچہ

معنی: همه چیز و همه کس (انسان‌ها و دیگر موجودات)، مطیع فرمان او هستند.

دانش ادبی: مراعات نظیر: مرغ و مور و مگس

تلمیح: اشارہ بہ آیۃ قرآن (سورۃ آل عمران - آیۃ ۸۳) **واج آرایی:** تکرار واج «م»

دانش زبانی: همه چیز و کس ← نهاد پرستار امرش ← مسند

فعل [هستند] ← در پایان جمله به قرینه معنایی حذف شده است.

توجه: علامت ستاره در کنار برخی از واژه‌ها بیانگر این نکته است که این لغات در واژه نامه کتاب درسی معنی شده‌اند.

۱ و ۲- تعداد جمله: کل بیت ۱ و ۲ روی هم یک جمله است.

۳- تعداد جمله: ۱ همه چیز و کس، بنی آدم و مرغ و مور و مگس، پرستار امرش هستند.

۴ یکی را به سر، برنهد تاج بخت یکی را به خاک اندر آرد ز تخت^۴

لغت: بخت*: اقبال، عزّت، خوشبختی

معنی: خداوند، یکی را به اوج عزّت و خوشبختی می‌رساند و دیگری را از اوج عزّت، پایین می‌آورد و او را ذلیل و بیچاره می‌کند.

دانش ادبی: تلمیح: اشاره به آیه قرآن (تُعَزِّمَن تَشَاءَ وَ تَذِلُّ مَنْ تَشَاءَ) تشبیه: تاج بخت (بخت مانند تاج)

کنایه: تاج بر سر نهادن (به عظمت رساندن)، از تخت به خاک آوردن (ذلیل و بیچاره کردن) جناس: بخت و تخت

دانش زبانی: یکی (مصرع اول) ← مضاف‌الیه (یکی را به سر ← به سر یکی) سر ← متمم

برنهد (= برمی‌نهد) ← مضارع اخباری تاج بخت ← مفعول یکی (مصرع دوم) ← مفعول

خاک ← متمم اندر آرد (درمی‌آورد) ← مضارع اخباری تخت ← متمم

۵ گلستان کند آتشی بر خلیل گروهی بر آتش بَرَد ز آب نیل^۵

معنی: خداوند، آتش را بر حضرت ابراهیم به گلستان تبدیل می‌کند و فرعونیان را در آب نیل غرق می‌کند و به جهنم می‌برد.

لغت: خلیل: لقب حضرت ابراهیم (ع) نیل: رودخانه‌ای بزرگ در کشور مصر

دانش ادبی: تلمیح: مصرع اول، اشاره به «ماجرای در آتش افکندن حضرت ابراهیم»، است. (آیه ۶۹ سوره انبیاء)

مصرع دوم، تلمیح به «غرق شدن فرعونیان در آب نیل»، دارد. (آیه ۱۳۶ سوره اعراف) تضاد: آب و آتش

دانش زبانی: آتشی ← مفعول خلیل ← متمم کند (= می‌کند) ← مضارع اخباری

گروهی ← مفعول آتش ← متمم بَرَد (= می‌برد) ← مضارع اخباری آب نیل ← متمم

۶ به درگاه لطف و بزرگیش بر بزرگان نهاده بزرگی ز سر^۶

معنی: بزرگان در برابر لطف و بزرگی خداوند، شکوه و بزرگی خود را کنار گذاشته اند.

دانش ادبی: جناس: سر، بَر کنایه: از سر نهادن (کنار گذاشتن) واج آرایی: تکرار واج «ر، ب» تکرار: واژه بزرگی

دانش زبانی: درگاه لطف ← متمم بزرگان ← نهاد از سر نهاده‌اند ← گذشته نقلی بزرگی ← مفعول

۷ جهان، متّفِق بر الهیتش فرومانده از کُنه مَاهیتش^۷

لغت: متّفِق*: هم فکر، هم رای، هم داستان الهیت: خدایی کُنه*: ذات، پایان و حقیقت چیزی

ماهیت*: حقیقت، ذات، چیستی

معنی: همه مردم جهان بر خدایی او، هم فکر و هم‌رأی هستند اما از شناخت حقیقت ذات خداوند، ناتوان هستند.

مفهوم: ناتوانی انسان از شناخت و توصیف خداوند

دانش ادبی: مجاز: جهان (مردم جهان) کنایه: فرو مانده (عاجز و ناتوان)

دانش زبانی: جهان ← نهاد متّفِق ← مسند الهیتش فرومانده (صفت جانشین اسم) ← مسند

کُنه مَاهیتش ← متمم فعل «هستند» ← در پایان دو مصرع، به قرینه معنایی حذف شده است.

۴- تعداد جمله: ۲ [خداوند] به سر یکی تاج بخت برنهد و [خداوند] یکی را از تخت به خاک، اندر آرد.

۵- تعداد جمله: ۲ [خداوند] آتشی را بر خلیل گلستان کند و [خداوند] گروهی از آب نیل بر آتش بَرَد.

۶- تعداد جمله: ۱ بزرگان بر درگاه لطف و بزرگیش، بزرگی را از سر نهاده‌اند.

۷- تعداد جمله: ۲ جهان، بر الهیتش متّفِق [هستند] [جهان] از کُنه مَاهیتش فرومانده [هستند].



۸ بشر، ماورای جلالش نیافت بَصَر، مُنتهای جمالش نیافت^۸

لغت: ماورا*: آن سوی ماورای*: برتر از، بالاتر از جلال: عظمت، بزرگی بَصَر*: چشم، بینایی، بینش

منتها*(منتهی): آخر، به پایان رساننده **جمال***: زیبایی، نیکویی

معنی: انسان، برتر از عظمت و بزرگی خداوند، عظمتش را درک نکرد و نهایت زیبایی او را ندانست.

مفهوم: ناتوانی انسان از درک عظمت و شکوه خداوند

دانش ادبی: جناس: جمال و جلال / بشر و بَصَر مجاز: بَصَر (انسان)

دانش زبانی: بشر ← نهاد ماورای (= برتر از) ← حرف اضافه جلالش ← متمم نیافت ← گذشته ساده

بَصَر ← نهاد منتهای جمالش ← مفعول

تذکر: در مصراع اول مفعول به قرینه معنایی حذف شده است.

۹ تأمل در آئینه دل کنی صفایی به تدریج، حاصل کنی^۹

لغت: تأمل کردن*: اندیشیدن، درنگ کردن صفا*: پاکی، خلوص، پاک دلی، پاکیزگی حاصل کنی: به دست آوری

معنی: اگر در دلت که چون آئینه‌ای است [درباره جهان و خالق آن] بیندیشی، به تدریج پاک دلی به دست می‌آوری.

دانش ادبی: تشبیه: آئینه دل (دل به آئینه تشبیه شده است).

دانش زبانی: آئینه ← متمم دل ← مضاف‌الیه صفایی ← مفعول به تدریج ← قید

تأمل کنی (= تأمل بکنی) ← مضارع التزامی حاصل کنی (= حاصل می کنی) ← مضارع اخباری

۱۰ مُحال است سعدی که راه صفا توان رفت جز بر پی مصطفی^{۱۰}

معنی: ای سعدی، راه و روشی که بتواند دل آدمی را از آلودگی‌ها پاک کند فقط با پیروی از پیامبر اسلام امکان پذیر است.

نکته: مقصود از «راه صفا» راه و روشی که دل آدمی را از آلودگی‌ها، تصفیه و پاک کند.

لغت: مُحال*: غیرممکن، ناشدنی بر پی: به دنبال، عقب مصطفی: یکی از القاب پیامبر اکرم (ص)

دانش زبانی: محال ← مسند است ← فعل اسنادی کلّ جمله بعد از «که» ← نهاد برای فعل «است».

سعدی ← منادا راه صفا ← مفعول جز ← قید بر پی ← حرف اضافه مصطفی ← متمم

تاریخ ادبیات

۱- شاعری است که به دو زبان فارسی و کردی شعر سروده است. ۲- او را نخستین زن تاریخ‌نویس کرد در ایران شمرده‌اند. ۳- «دیوان شعر» و «تاریخ اردلان»، از آثار اوست.	مستوره کردستانی
۱- شاعر و نویسنده قرن هفتم است. ۲- بوستان یا سعدی‌نامه، منظومه مثنوی اوست که به ده باب تقسیم شده است. ۳- بوستان (به شعر) و گلستان (به نثر) همراه با دیوان اشعار او را «کلیات سعدی»، نامیده‌اند.	سعدی

۸- تعداد جمله: ۲ بشر، ماورای جلالش، [جلالی] نیافت بصر، منتهای جمالش نیافت.

۹- تعداد جمله: ۲ اگر در آئینه دل تأمل کنی به تدریج، صفایی حاصل کنی.

۱۰- تعداد جمله: ۳ سعدی، مُحال است که راه صفا را جز بر پی مصطفی توان رفت.

واژه‌های هم‌خانواده کلمات عربی

واژه	حروف اصلی	کلمات هم خانواده	واژه	حروف اصلی	کلمات هم خانواده
جلال	ج، ل، ل	تجلیل، مجلّل، جلیل، اجلال	حکیم	ح، ک، م	حکمت، حکم، حکما
کریم	ک، ر، م	تکریم، اکرام، کرم، اکرم	طلعت	ط، ل، ع	طلوع، طلعه، طالع
بصیر	ب، ص، ر	بصیرت، بصیر، بصارت	تأمل	ء، م، ل	أمل، مأمول
لطف	ل، ط، ف	لطیف، لطافت، ملاطفه، الطاف	سعدی	س، ع، د	سعادت، سعید، مسعود
متفق	و، ف، ق	اتفاق، موفقیت، موافق، توافق	منتها	ن، ه، ی	انتهای، نهایت
صفا	ص، ف، و	صافی، تصفیه، مصطفی، صفیه	الهیّت	ء، ل، هـ	الله، الهی، الهیات

سوالات تکمیلی

دانش‌های زبانی

- ۱- در ابیات زیر معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

الف) بشر، ماورای جلالش نیافت بَصَر، مُنتهای جَمالِش نیافت
 ب) جهان، مُتَفِق بر الهیّتش فرومانده از کُنْهِ ماهیّتش
- ۲- در بیت «خداوند بخشنده دستگیر / کریم خطابش پوزش‌پذیر»، دو واژه مترادف بیابید.
- ۳- تفاوت معنایی واژه «پرستار»، را در دو مصراع زیر بررسی کنید.

الف) پرستارِ امرش همه چیز و کس ب) درد خود را ز پرستار نهان می‌دارند
- ۴- از میان داخل پرانتز، کدام معنی را برای واژگان مشخص شده، مناسب می‌دانید؟

الف) بشر، ماورای جلالش نیافت (برتر از / آخر) ب) یکی را به سر، برنهد تاجِ بخت (فرخنده /
- ۵- از میان واژگان زیر، واژه‌های هم‌خانواده را مشخص کنید.

«صفا، متفق، الهیت، مصطفی، سعدی، توفیق، الله، ماهیت، طلعت، منتها، تأمل»
- ۶- تفاوت نقش دستوری واژه «آتش» را در بیت زیر بیان نمایید.

«گلستان کُند آتشی بر خلیل گروهی بر آتش بَرَد ز آب نیل»
- ۷- نقش دستوری واژه‌های مشخص شده را از داخل کمانک انتخاب کنید.

الف) یکی را به سر، برنهد تاجِ بخت (مفعول / نهاد) ب) یکی را به خاک اندرآرد ز تخت (مُسند / متمم)
- ۸- بیت زیر را با جا به جا کردن اجزای جمله به صورت نثر بنویسید.

«به درگاهِ لطف و بزرگیش بر بزرگان نهاده بزرگی ز سر»
- ۹- با توجه به بیت زیر، به پرسش‌ها پاسخ دهید.

«تأمل در آیینۀ دل کنی صفایی به تدریج، حاصل کنی»

الف) در مصراع دوم، فعل جمله را مشخص کنید. ب) در این بیت یک ترکیب اضافی بیابید.

ج) کلمۀ «صفا» چه نقش دستوری دارد؟ د) در مصراع اول، کدام کلمه، متمم است؟

۱۰- بیت زیر چند جمله است؟ جمله‌ها را مرتب کرده و آنها را نشان دهید.

«مُحال است سعدی که راهِ صفا توان رفت جز بر پیِ مصطفی»

۱۱- در بیت زیر، «نهاد» و «مسند» را مشخص کنید.

«جهان، مُتَفِق بر الهیتش فرومانده از کُنهِ ماهیتش»

دانش‌های ادبی

۱۲- در بیت زیر کلمات ردیف و قافیه را مشخص کنید.

«بشر، ماورای جلالش نیافت بَصَر، مُنتهای جمالش نیافت»

۱۳- شاعر در بیت زیر، میان چه کلماتی آرایهٔ جناس برقرار نموده است؟

«یکی را به سر، برنهد تاجِ بخت یکی را به خاک اندر آرد زِ تخت»

۱۴- در کدام بیت، آرایهٔ تشبیه دیده می‌شود؟ دلیل خود را بنویسید.

الف) بشر، ماورای جلالش نیافت بَصَر، مُنتهای جمالش نیافت

ب) تأمل در آیینۀ دل کنی صفایی به تدریج، حاصل کنی

۱۵- شاعر در بیت زیر، بین چه کلماتی مراعات نظیر ایجاد کرده است؟

«پرستارِ امرش همه چیز و کس بنی‌آدم و مرغ و مور و مگس»

۱۶- در بیت زیر، یک کنایه بیابید و به مفهوم آن اشاره کنید.

«به درگاهِ لطف و بزرگیش بر بزرگان نهاده بزرگی زِ سر»

۱۷- شاعر در بیت زیر «واج‌آرایی» را چگونه ایجاد کرده است؟

«پرستارِ امرش همه چیز و کس بنی‌آدم و مرغ و مور و مگس»

معنی و درک مطلب

۱۸- مفهوم مصراع دوم بیت زیر چیست؟

«به نام خداوند جان‌آفرین حکیم سخن در زبان آفرین»

۱۹- کدام واژه در بیت زیر، بیانگر «توبه‌پذیر بودن خداوند» است؟

«خداوندِ بخشندۀ دستگیر کریم خطابخشِ پوزش‌پذیر»

۲۰- مفهوم کلی بیت زیر چیست؟

«یکی را به سر، برنهد تاجِ بخت یکی را به خاک اندر آرد زِ تخت»

۲۱- واژهٔ «آتش» در بیت زیر، هر کدام به چه چیزی اشاره دارند؟

«گُلستان کُند آتشی بر خلیل گروهی بر آتش بُرد ز آب نیل»

۲۲- مفهوم مشترک مصراع‌های زیر را بیان کنید.

الف) بشر، ماورای جلالش نیافت ب) فرومانده از کُنهِ ماهیتش

۲۳- با توجه به بیت زیر، خلوص و پاک‌دلی چگونه به دست می‌آید؟

«تأمل در آیینۀ دل کنی صفایی به تدریج، حاصل کنی»

۲۴- مرجع ضمیر «ش» در مصراع «جهان، متفق بر الهیتش»، کیست؟ و مفهوم مصراع چیست؟

۲۵- با توجه به بیت «مُحال است سعدی که راه صفا / توان رفت جز بر پی مصطفی»، به پرسش‌ها پاسخ دهید.

(الف) به تعبیر عارفان، راه صفا چه راهی است؟ (ب) با توجه به مفهوم بیت، راه پاک شدن انسان از آلودگی‌ها چیست؟

پاسخ‌نامه تشریحی

- ۱- (الف) بَصَر: چشم، بینایی جمال: زیبایی، نیکویی ۱۳- تخت و بخت
- (ب) متفق: هم‌فکر، هم‌رأی، هم‌داستان ۱۴- بیت «ب» زیرا در این بیت «دل» به «آئینه»، تشبیه
- کنه: ذات، پایان و حقیقت هر چیزی شده است.
- ۲- «کریم»، مترادف «بخشنده» است. ۱۵- مرغ و مور و مگس
- ۳- (الف) مطیع، فرمانبردار ۱۶- «از سر نهادن» کنایه از «ترک کردن/رها کردن»
- (ب) کسی که از بیمار مراقبت می‌کند. ۱۷- با تکرار واج‌های «ر، م»
- ۴- (الف) برتر از (ب) اقبال ۱۸- خداوند، قدرت سخن گفتن را به انسان عطا کرده است.
- ۵- صفا و مصطفی/ متفق و توفیق/ الهیت و الله ۱۹- پوش‌پذیر
- ۶- مصراع اول: مفعول (خداوند، آتشی را بر خلیل گلستان ۲۰- عزّت و ذلّت به دست خداوند است.
- کند) ۲۱- مصراع اول: آتشی که نمرود برای سوزاندن حضرت
- مصراع دوم: متمم، زیرا با حرف اضافه «بر» همراه شده. ابراهیم فراهم کرد.
- ۷- (الف) مفعول (ب) متمم مصراع دوم: آتش جهنّم که ستمگران را در خود می‌سوزاند.
- ۸- بزرگان، به درگاه لطف و بزرگیش، بزرگی را از سر نهاده‌اند. ۲۲- ناتوانی انسان از درک و شناخت خداوند.
- ۹- (الف) حاصل کنی (ب) آئینه دل ۲۳- با تفکر قلبی نسبت به جهان و خالق آن
- (ج) مفعول (تو، صفایی را حاصل کنی) ۲۴- خداوند، مفهوم مصراع: مردم جهان بر خدایی
- (د) آئینه/ آئینه دل خداوند هم‌فکر و هم‌رأی هستند.
- ۱۰- سه جمله: سعدی، محال است که ۲۵- (الف) راهی که آدمی را از آلودگی‌ها تصفیه و پاک
- راه صفا را جز بر پی مصطفی توان رفت. می‌کند.
- ۱۱- نهاد ← جهان مسند ← متفق (ب) پیروی از تعالیم و دستورات پیامبر اسلام.
- ۱۲- ردیف ← نیافت قافیه ← جلالش و جمالش

بهشت و جهنّم

زنگ تفریح

واعظی بالای منبر از اوصاف بهشت می‌گفت و از جهنّم حرفی نمی‌زد. یکی از حاضرین پای منبر خواست مزه‌ای ببینداز گفت: ای آقا، شما همیشه از بهشت تعریف می‌کنید، یک بار هم از جهنّم بگویید. واعظ که حاضر جواب بود گفت: آنجا را که خودتان می‌روید و می‌بینید. بهشت است که چون نمی‌روید لااقل باید وصفش را بشنوید.

فصل اوّل

زیبایی آفرینش

چشم دل باز کن که جان بینی

آنچه نادیدنی است، آن بینی

هاتف اصفهانی

معنی: چشم بصیرت بگشا تا حقیقت هر چیزی را ببینی و حقایق معنوی را که دیده نمی‌شود، با بصیرت باطنی ببینی.

نکته: منظور از نادیدنی ← حقایق معنوی، عالم غیب

لغت: جان: اصل و حقیقت هر چیز

آرایه: جناس: آن و جان واج آرایه: تکرار واج «ن»

تشخیص: چشم دل مراعات نظیر: چشم و دل و جان

تعداد جمله: ۴ [تو] چشم دل باز کن که [تو] جان بینی آنچه نادیدنی است [تو] آن را ببینی.

چشم دل / جان ← مفعول آنچه ← نهاد نادیدنی ← مسند آن ← مفعول

باز کن ← فعل امر بینی ← مضارع التزامی چشم دل ← ترکیب اضافی

درس اول: پیش از اینها

ارباب بوریا* توفنده*	رئیس، صاحب حصیری که از نی می‌بافند. پرخروش، خروشان، غوغاکننده	بی‌ریا* طنین* عاج	بدون تظاهر و خودنمایی آهنگ، انعکاس صدا دندان فیل	خشت* نیت* حضور	آجر، آجر خام قصد، آهنگ، عزم درگاه، آستان
----------------------------	---	-------------------------	--	----------------------	--

قالب شعر: مثنوی

به قول پرستو، قیصر امین پور

شرح ابیات

۱ پیش از اینها، فکر می‌کردم خدا خانه‌ای دارد میان ابرها^۱
معنی: در گذشته فکر می‌کردم که خدا در میان ابرها خانه دارد.

دانش زبانی: فکر می‌کردم ← گذشته استمراری خدا ← نهاد خانه‌ای ← مفعول دارد ← مضارع اخباری
میان ← حرف اضافه ابرها ← متمم

۲ مثل قصر پادشاه قصّه‌ها خشتی از الماس و خشتی از طلا^۲
لغت: خشت*: آجر، آجر خام

معنی: خانه‌ای مانند قصر پادشاه قصّه‌ها، با آجرهایی از الماس و طلا دارد.

دانش ادبی: تشبیه: مثل قصر پادشاه مراعات نظیر: الماس و طلا تکرار: واژه «خشت»
دانش زبانی: مثل ← حرف اضافه قصر ← متمم طلا ← متمم

۳ پایه‌های بُرجش از عاج و بلور بر سرِ تختی نشسته با غرور^۳
لغت: برج: ساختمان بلند عاج: دندان فیل بلور: نوعی ماده معدنی جامد و شفاف
معنی: فکر می‌کردم که پایه‌های ساختمان بلند خداوند از دندان فیل و بلور است و خداوند با غرور بر روی تختی نشسته است.
دانش زبانی: پایه‌های بُرجش ← نهاد از عاج و بلور ← مسند بر ← حرف اضافه سرِ تختی ← متمم
[نشسته است] ← گذشته نقلی فعل اسنادی [است] ← در مصراع اول به قرینه معنایی حذف شده است.

۴ ماه، برق کوچکی از تاج او هر ستاره، پولکی از تاج او^۴
معنی: فکر می‌کردم ماه، درخشش کوچکی از تاج خداست و ستارگان، پولک‌های تاج او هستند.
دانش ادبی: مراعات نظیر: ماه و ستاره تشبیه: ماه به «برق» و ستاره به «پولک» تشبیه شده است.
دانش زبانی: ماه ← نهاد برق کوچکی ← مسند، ترکیب وصفی تاج او ← متمم، ترکیب اضافی
هرستاره ← نهاد پولک ← مسند فعل اسنادی [است] ← در پایان دو مصراع به قرینه معنایی حذف شده.

۱- تعداد جمله: ۲ [من] پیش از اینها، فکر می‌کردم [که] خدا میان ابرها خانه‌ای دارد.

۲- تعداد جمله: ۱ [خداوند] [خانه‌ای] مثل قصر پادشاه قصّه‌ها، [با] خشتی از الماس و خشتی از طلا [دارد].

۳- تعداد جمله: ۲ پایه‌های بُرجش از عاج و بلور [است] و [خدا] با غرور بر سرِ تختی نشسته [است].

۴- تعداد جمله: ۲ ماه، برق کوچکی از تاج او [است] هر ستاره، پولکی از تاج او [است].

۵ رعد و برق شب، طنین خنده‌اش سیل و طوفان، نعرهٔ توفنده‌اش^۵

لغت: طنین*: آهنگ، انعکاس صدا توفنده*: پُرخروش، خروشان، غوغاکننده

معنی: فکر می‌کردم رعد و برق شب، صدای خندهٔ خداوند است و سیل و طوفان، فریاد خروشان اوست.

دانش ادبی: مراعات نظیر: رعد و برق / سیل و طوفان

دانش زبانی: رعد و برق شب ← نهاد طنین خنده‌اش ← مسند سیل و طوفان ← نهاد نعرهٔ توفنده‌اش ← مسند

فعل اسنادی [است] ← در پایان دو مصراع به قرینهٔ معنایی حذف شده است.

۶ هیچ کس از جای او آگاه نیست هیچ کس را در حضورش راه نیست^۶

لغت: حضور: درگاه، آستان راه: اجازهٔ ورود

معنی: هیچ کس از جای خداوند آگاه نیست و هیچ کس به درگاه او، اجازهٔ ورود ندارد.

دانش ادبی: جناس ناقص: را و راه

دانش زبانی: هیچ کس ← نهاد جای او ← متمم، ترکیب اضافی آگاه ← مسند حضورش ← متمم

۷ آن خدا بی‌رحم بود و خشمگین خانه‌اش در آسمان، دور از زمین^۷

معنی: آن خدایی که من تصوّر می‌کردم، بی‌رحم و خشمگین بود و خانه‌اش در آسمان، دور از زمین بود.

دانش ادبی: تضاد: آسمان و زمین

دانش زبانی: آن خدا ← نهاد بی‌رحم و خشمگین ← مسند خانه‌اش ← نهاد آسمان ← متمم

دور ← مسند زمین ← متمم

۸ بود، اما در میان ما نبود مهربان و ساده و زیبا نبود^۸

معنی: خداوند وجود داشت اما در میان ما نبود. او مهربان و صمیمی و زیبا نبود.

دانش زبانی: بود ← فعل غیر اسنادی در معنای «وجود داشتن» مهربان و ساده و زیبا ← مسند

نبود (مصراع اول) ← فعل غیر اسنادی در معنای «وجود داشتن» نبود (مصراع دوم) ← فعل اسنادی

۹ در دل او، دوستی جایی نداشت مهربانی هیچ معنایی نداشت^۹

معنی: در وجود او، دوستی جایگاهی نداشت و مهربانی در مورد او معنا و مفهومی نداشت.

دانش زبانی: دوستی / مهربانی ← نهاد جایی / هیچ معنایی ← مفعول دل او ← متمم، ترکیب اضافی

۵- تعداد جمله: ۲ رعد و برق شب، طنین خنده‌اش [است] سیل و طوفان، نعرهٔ توفنده‌اش [است].

۶- تعداد جمله: ۲ هیچ کس از جای او آگاه نیست هیچ کس را در حضورش راه نیست

۷- تعداد جمله: ۳ آن خدا بی‌رحم بود و آن خدا خشمگین بود خانه‌اش در آسمان، دور از زمین [بود]

۸- تعداد جمله: ۳ [خدا] بود [خدا] در میان ما نبود [خدا] مهربان و ساده و زیبا نبود

۹- تعداد جمله: ۲ دوستی، در دل او جایی نداشت مهربانی، هیچ معنایی نداشت

۱۰ هر چه می پرسیدم از خود از خدا از زمین از آسمان از ابرها^{۱۰}

معنی: هر سؤالی که در مورد خودم، خدا، زمین، آسمان، ابرها از دیگران می پرسیدم،

نکته: معنی این بیت با بیت بعد کامل می شود؛ (به این نوع بیت ها، موقوف المعانی می گویند).

دانش زبانی: هر چه ← مفعول از ← حرف اضافه به معنی «درباره» خود/خدا /زمین /آسمان /ابر ← متمم

۱۱ زود می گفتند: «این، کار خداست پرس و جو از کار او کاری خطاست»^{۱۱}

معنی: همه زود می گفتند: که این کارها مربوط به خداست و سؤال در مورد کار خداوند، اشتباه است.

دانش زبانی: می گفتند ← گذشته استمراری این ← نهاد کار خدا ← مسند، ترکیب اضافی است ← فعل اسنادی

پرس و جو ← نهاد کار او ← متمم، ترکیب اضافی کاری خطا ← مسند، ترکیب وصفی

۱۲ نیت من در نماز و در دعا ترس بود و وحشت از خشم خدا^{۱۲}

لغت: نیت*: قصد، آهنگ، عزم

معنی: قصد من از نماز خواندن و دعا کردن، فقط ترس و وحشت از خشم خداوند بود.

دانش زبانی: نیت من ← نهاد، ترکیب اضافی نماز/ دعا ← متمم ترس و وحشت ← مسند خشم خدا ← متمم

۱۳ پیش از اینها، خاطرم دلگیر بود از خدا در ذهنم این تصویر بود^{۱۳}

لغت: خاطر: دل، ذهن دلگیر: دلتنگ، غمگین

معنی: در گذشته، این تصاویر از خدا در ذهنم وجود داشت و همیشه در دلم احساس غمگینی می کردم.

دانش زبانی: خاطرم ← نهاد دلگیر ← مسند بود (مصراع اول) ← فعل اسنادی خدا ← متمم

ذهنم ← متمم این تصویر ← نهاد بود (مصراع دوم) ← فعل غیراسنادی در معنای «وجود داشت»

۱۴ تا که یک شب، دست در دست پدر راه افتادم به قصد یک سفر^{۱۴}

معنی: تا شبی، دست در دست پدر، به قصد سفری به راه افتادم.

دانش زبانی: راه افتادم ← گذشته ساده به قصد ← حرف اضافه یک سفر ← متمم

۱۵ در میان راه، در یک روستا خانه ای دیدیم، خوب و آشنا^{۱۵}

معنی: در میان راه، در روستایی، خانه ای خوب و آشنا دیدیم.

دانش زبانی: یک روستا ← متمم خانه ای خوب و آشنا ← مفعول، ترکیب وصفی دیدیم ← گذشته ساده

۱۰- تعداد جمله: ۱ [من] هر چه از خود، از خدا، از زمین، از آسمان، از ابرها [از دیگران] می پرسیدم.

۱۱- تعداد جمله: ۳ [آنها] زود می گفتند: این، کار خداست پرس و جو از کار او، کاری خطاست.

۱۲- تعداد جمله: ۱ نیت من در نماز و در دعا، ترس و وحشت از خشم خدا بود.

۱۳- تعداد جمله: ۲ پیش از اینها خاطرم دلگیر بود. این تصویر از خدا در ذهنم بود.

۱۴- تعداد جمله: ۱ تا که [من] یک شب، دست در دست پدر، به قصد یک سفر راه افتادم.

۱۵- تعداد جمله: ۱ [ما] در میان راه، در یک روستا، خانه ای خوب و آشنا دیدیم.

۱۶ زود پرسیدم: «پدر، اینجا کجاست؟» گفت: «اینجا خانه خوب خداست»^{۱۶}

معنی: از پدرم، سریع پرسیدم: اینجا کجاست؟ پدر جواب داد اینجا خانه خوب خدا (مسجد) است.

دانش زبانی: پرسیدم ← گذشته ساده پدر ← منادا اینجا ← نهاد کجا ← مسند است ← فعل اسنادی

گفت ← گذشته ساده اینجا ← نهاد خانه خوب خدا ← مسند

۱۷ گفت: «اینجا می‌شود یک لحظه ماند گوشه‌ای خلوت، نمازی ساده خواند»^{۱۷}

معنی: پدرم گفت: این جا، لحظه‌ای می‌شود ماند و در گوشه‌ای خلوت یک نمازی با اخلاص و دوری از ریا خواند.

نکته: منظور از نماز ساده: نمازی که از ریاکاری دور باشد و با اخلاص خوانده شود.

دانش زبانی: نمازی ساده ← مفعول، ترکیب وصفی گوشه‌ای خلوت ← ترکیب وصفی

۱۸ با وضویی دست و رویی تازه کرد با دل خود گفت و گویی تازه کرد»^{۱۸}

معنی: با وضویی می‌شود دست و رویی را با طراوت کرد و با دل خود صحبتی تازه کرد.

دانش ادبی: تشخیص: گفتگو کردن با دل

دانش زبانی: وضویی ← متمم دست و رویی ← مفعول دل خود ← متمم گفت و گویی ← مفعول

۱۹ گفتمش: «پس آن خدای خشمگین خانه‌اش اینجا است؟ اینجا در زمین؟»^{۱۹}

معنی: به او گفتم: پس خانه آن خدای خشمگین، اینجا است. اینجا در روی زمین است.

دانش زبانی: گفتم ← گذشته ساده ضمیر متصل «ش» (مصرع اول) ← متمم (گفتمش ← به او گفتم)

خانه‌اش ← نهاد، ترکیب اضافی است ← فعل غیراسنادی در معنای «قرار دارد» زمین ← متمم

۲۰ گفت: «آری خانه او بی‌ریاست فرش‌هایش از گلیم و بوریاست»^{۲۰}

لغت: بی‌ریا*: بدون تظاهر و خودنمایی گلیم: نوعی فرش که از پشم می‌بافند. بوریا*: حصیری که از نی می‌بافند.

معنی: گفت: آری خانه خداوند، ساده و بدون تظاهر و خودنمایی است و فرش‌هایش از گلیم و حصیر است.

دانش ادبی: مراعات نظیر: فرش و گلیم و بوریا

دانش زبانی: آری ← قید خانه او ← نهاد بی‌ریا/ از گلیم و بوریا ← مسند فرش‌هایش ← نهاد

۲۱ مهربان و ساده و بی‌کینه است مثل نوری در دل آینه است»^{۲۱}

معنی: خداوند، مهربان و صمیمی و بی‌کینه است. او مثل نور و روشنی در دل انسان‌ها می‌درخشد.

نکته: آینه در این بیت نماد «انسان» است. **دانش ادبی:** تشبیه: مثل نوری

۱۶- تعداد جمله: ۵ [من] زود پرسیدم پدر اینجا کجاست؟ [پدرم] گفت: اینجا خانه خوب خداست

۱۷- تعداد جمله: ۳ [پدرم] گفت: اینجا یک لحظه می‌شود ماند نمازی ساده، در گوشه‌ای خلوت، [می‌شود] خواند

۱۸- تعداد جمله: ۲ با وضویی دست و رویی [می‌شود] تازه کرد با دل خود گفت و گویی [می‌شود] تازه کرد

۱۹- تعداد جمله: ۳ [من] به او گفتم پس خانه آن خدای خشمگین، اینجا است [خانه او] اینجا در زمین [است]

۲۰- تعداد جمله: ۳ [او] گفت: آری خانه او بی‌ریاست فرش‌هایش از گلیم و بوریاست

۲۱- تعداد جمله: ۲ [خداوند] مهربان و ساده و بی‌کینه است [او] مثل نوری در دل آینه است

دانش زبانی: مهربان و ساده و بی‌کینه ← مسند است (مصرع اول) ← فعل اسنادی نوری ← متمم
دل آینه ← متمم است (مصرع دوم) ← فعل غیراسنادی در معنای «قرار دارد»

۲۲ عادت او نیست خشم و دشمنی نام او نور و نشانش روشنی»^{۲۲}

معنی: عادت خداوند، خشم و دشمنی نیست. نام خداوند، نور است و نشانه وجود او، روشنایی است.

دانش ادبی: تلمیح: اشاره به آیه «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» (سوره نور - آیه ۳۵) **واج آرای:** تکرار واج «ش و ن»

دانش زبانی: عادت او ← نهاد نیست ← فعل اسنادی خشم و دشمنی ← مسند نام او ← نهاد
نور ← مسند نشانش ← نهاد روشنی ← مسند فعل «است» ← در پایان جمله‌های مصرع دوم حذف شده.

۲۳ تازه فهمیدم: خدایم این خداست این خدای مهربان و آشناست^{۲۳}

معنی: اکنون متوجه شدم که خدای من، این خدای مهربان و آشناست.

دانش زبانی: تازه (اکنون) ← قید خدایم ← مسند این خدا ← نهاد این خدای مهربان و آشنا ← نهاد

۲۴ دوستی از من به من نزدیک‌تر از رگ گردن به من نزدیک‌تر^{۲۴}

معنی: خداوند، دوستی نزدیک‌تر از خود من به من است، او از رگ گردن به من نزدیک‌تر است.

دانش ادبی: تلمیح: اشاره به آیه ۵۰ از سوره «ق» (و نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ، مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ) **واج آرای:** تکرار واج «ن»

دانش زبانی: دوستی ← مسند من ← متمم نزدیک‌تر ← صفت برای دوستی رگ گردن ← متمم
نزدیک‌تر (دوم) ← مسند فعل «است» ← در پایان دو مصرع به قرینه معنایی حذف شده است.

۲۵ می‌توانم بعد از این، با این خدا دوست باشم، دوست، پاک و بی‌ریا^{۲۵}

لغت: بی‌ریا*: بدون تظاهر و خودنمایی

معنی: من بعد از این می‌توانم با این خدا دوست باشم، دوست. او پاک و بدون تظاهر و خودنمایی است.

نکته: شاعر در این بیت، به صفات «پاک» و «بی‌ریایی» خداوند اشاره کرده است.

دانش زبانی: این خدا ← متمم دوست ← مسند باشم ← اسنادی دوست ← تکرار مسند پاک و بی‌ریا ← مسند

دانش ادبی

«تفاوت» «زبان» و «ادبیات»

در «زبان»، کلمات در معانی قراردادی و همیشگی خود به کار می‌روند و تمام تلاش گوینده یا نویسنده، انتقال پیام است و می‌خواهد مقصود خود را به صورت مستقیم و آشکار بیان کند.

مانند: «باران از آسمان می‌بارد.»

اما در «ادبیات» در فکر یافتن روشی است تا مقصود خود را «زیباتر» و تأثیرگذارتر بیان کند به همین جهت به کمک تمثیل می‌تواند کلمه را از معنای قراردادی آن خارج کند و پیام را به طور غیر مستقیم و غیر صریح بیان نماید.

۲۲- تعداد جمله: ۳ عادت او خشم و دشمنی نیست نام او نور است و نشانش روشنی است

۲۳- تعداد جمله: ۳ من تازه فهمیدم که این خدا، خدایم است این خدای مهربان و آشنا خدایم است

۲۴- تعداد جمله: ۲ خداوند دوستی نزدیک‌تر از من به من است او نزدیک‌تر از رگ گردن به من است

۲۵- تعداد جمله: ۲ بعد از این من با این خدا، می‌توانم دوست باشم، دوست خدا، پاک و بی‌ریاست

همچنین نویسنده در ادبیات (بیان ادبی) با بهره‌گیری از امکانات هنری همچون، تشبیه، استعاره، تشخیص، مجاز، کنایه، حس‌آمیزی، اغراق و ... به زبان، نقش هنری و زیبایی‌آفرینی می‌بخشد. افزون بر این، از تکرار موسیقایی آواها (وزن، قافیه، ردیف، واج‌آرایی، تکرار، سجع، جناس و ...) و عواطف و احساسات انسانی نیز بهره می‌برد.

مثال: مروارید از چشمان آسمان فرو می‌ریزد.

در این مثال، «مروارید» در معانی قراردادی خود به کار نرفته و مقصود از آن «باران» است. همچنین نویسنده در ترکیب «چشمان آسمان» آرایهٔ جان‌بخشی (تشخیص) ایجاد کرده؛ یعنی آسمان را چون انسانی تصوّر کرده که چشم دارد.

مثال دیگر: در دو جملهٔ زیر یک مقصود با دو شیوهٔ بیان (زبانی، ادبی) به کار برده شده است.

الف) خورشید طلوع کرد. (شیوهٔ بیان: زبانی) **ب)** گُل خورشید شکفت. (شیوهٔ بیان: ادبی)

خلاصهٔ کلام: هدف زبان، ارتباط و پیام‌رسانی (چه بگوید؟) است و هدف ادبیات، زیبایی‌آفرینی (چگونه بگوید؟) است. ساختمان زبان از «واژه‌ها» و «جمله‌ها» تشکیل می‌شود. برای درک بهتر هر اثر باید به «ساختار» و «محتوا»ی آن توجه کرد. منظور از محتوا: زمینهٔ فکری و معنا و مفهوم نهفته در اثر است.

منظور از ساختار: شکل بیرونی نوشته، یعنی واژه‌ها و جمله‌هایی است که در اثر به کار رفته است.

برای بررسی ساختار (شکل بیرونی) هر اثر، به این موارد باید توجه کنیم:

□ متن اثر، به «نثر» است یا به «نظم»؟

□ شیوهٔ بیان نوشته «زبانی» است یا «ادبی»؟

□ واژه‌های متن، ساده و قابل فهم هستند یا دشوار و دیرپاب؟

اکنون با توجه به این پرسش‌ها، شعر «ستایش» و «درس اول» را از نظر ساختار با هم مقایسه می‌کنیم:

۱- متن هر دو اثر به «نظم» است.

۲- واژه‌های متن دو شعر، اغلب ساده و قابل فهم هستند با این وجود، در شعر ستایش کلمات دشوار و دیرپایی مانند «کنه، ماهیت، الهیت، منتها، ماورا، بصر، بنی‌آدم، پرستار»، به چشم می‌خورد.

۳- شیوهٔ بیان در برخی از ابیات «ستایش»، «زبانی» و در برخی دیگر «ادبی» است ولی شیوهٔ بیان در شعر «پیش از اینها»، «ادبی» است؛ چون این شعر، کاملاً یک شعر تخیلی است.

تاریخ ادبیات

۱- از شاعران دورهٔ افشاریه و زندیه است.	هاتف اصفهانی
۲- در سرودن غزل، از سعدی و حافظ پیروی می‌کرد.	
۳- «ترجیع بند» عرفانی وی نیز معروف است.	
۱- از شاعران معاصر موفّق پس از انقلاب به شمار می‌آید.	قیصر امین پور
۲- آثار: در کوچهٔ آفتاب، تنّفس صبح، مثل چشمه مثل رود، به قول پرستو و آینه‌های ناگهان	
۱- نوشتهٔ ابوالقاسم قُشیری از عارفان قرن پنجم است.	رسالهٔ قُشیریه
۲- اصل این کتاب به زبان عربی است و یکی از شاگردان قُشیری، آن را به فارسی برگردانده است.	
۳- موضوع این کتاب، معرفی برخی از بزرگان عارف و شرح اصطلاحات عرفانی است.	

خود ارزیابی

- ۱- شاعر در مصراع «اینجا خانه خوب خداست» به چه نکته‌ای اشاره دارد؟
این که «مسجد» خانه خوب خدا بر روی زمین است.
- ۲- درک و دریافت خود را از مصراع «نام او نور و نشانش روشنی» بیان کنید.
وجود خدا سراسر نور و روشنی است و از تاریکی در وجود او هیچ خبری نیست.
- ۳- چه راه‌هایی برای شناخت خداوند هستی وجود دارد؟
۱- از مطالعه و بررسی نظم در جهان هستی ۲- از طریق دل و مشاهده قلبی ۳- از طریق تأمل در پدیده‌های جهان

گفت و گو

- ۱- درباره زمینه فکری شعر «ستایش» در گروه‌ها گفت و گو کنید.
- ۲- درباره ارتباط مفهوم آیه زیر با متن درس پس از تأمل و تفکر، گفت و گو کنید.
«ما از رگ گردن به شما نزدیک‌تریم» (سوره «ق»، آیه ۱۶)
- تذکر: سؤالات بخش گفت و گو برای بحث در کلاس است و پاسخ آن به عهده دانش‌آموزان گرامی است.

فعالیت‌های نوشتاری (پاسخ در پاورقی)

- ۱- از متن «ستایش» و «درس اول» واژه‌هایی بیابید که در آنها یکی از حروف «ذ، ز، ض، ظ» به کار رفته باشد.^۱

زمان	مصدر	بن مضارع	فعل
			رفت
			می نویسد

- ۲- جدول مقابل را کامل کنید.^۲

- ۳- ردیف و قافیه را در بیت هشتم و هجدهم شعر «پیش از اینها» مشخص کنید.^۳

- ۴- سعدی در بیت زیر، به کدام داستان‌های دینی اشاره کرده است؟^۴

«گلستان کند آتشی بر خلیل گروهی بر آتش برد ز آب نیل»

در زبان فارسی، بعضی حروف، مانند «ذ، ز، ض، ظ» تلفظ یکسان دارند اما شکل نوشتاری آنها متفاوت است؛ با دقت در معنا، به املاي واژه‌هایی که این حروف را دارند، دارند، توجه کنید.

- ۱- پوزش‌پذیر، ذهن - وضو، حضور

۲-

زمان	مصدر	بن مضارع	فعل
گذشته	رفتن	رو	رفت
حال	نوشتن	نویس	می نویسد

- ۳- بیت ۸) ردیف ← نبود قافیه ← ما و زیبا

- ۴- مصراع اول: گلستان شدن آتش بر حضرت ابراهیم

- بیت ۱۸) ردیف ← تازه کرد قافیه ← دست و رویی و گفت و گویی

- مصراع دوم: غرق شدن فرعون و یارانش در آب نیل

حکایت: به خدا چه بگویم؟

۱- روزی غلامی گوسفندان اربابش را به صحرا برد. گوسفندان در دشت، سرگرم چرا بودند که مسافری از راه رسید و با دیدن انبوه گوسفندان، به سراغ آن غلام (چوپان) رفت و گفت: «از این همه گوسفندانت، یکی را به من بده.» چوپان گفت: «نه، نمی توانم این کار را بکنم؛ هرگز!» مسافر گفت: یکی را به من بفروش.»

لغت: چرا: علف خوردن حیوانات، چریدن ارباب: رئیس، صاحب صحرا: بیابان

۲- چوپان گفت: «گوسفندان، از آن من نیست.»
مرد گفت: «خداوندش را بگوی که گرگ ببرد.»
غلام گفت: «به خدای چه بگویم؟!»

معنی: چوپان گفت: گوسفندان مال من نیست. مرد گفت: به صاحبش بگو که گرگ گوسفند را بُرد. خدمتکار گفت: جواب خداوند را چگونه بدهم؟

لغت: خداوند: صاحب آن من: مال من

مفهوم حکایت: تأکید بر امانت‌داری / خداوند را ناظر کارهای خود دانستن / دوری از کارهای ناپسند و گناه

رسالة قشیریة

واژگان و ترکیبات مهم آملائی

قصر - قصه - الماس - طلا - عاج - غرور - رعد و برق - طنین - سیل و طوفان - نعره توفنده - بی‌رحم - خطا
پرس و جو - ترس و وحشت - خاطر - ذهن - تصویر - قصد - سفر - وضو - بی‌ریا - بوریا - آیین - لحظه
خطابخش - پوزش‌پذیر - متفق - الهیت - گنه - ماهیت - ماورا - بصر - مَنتهَا - تأمل - صفا - مُحال - مصطفی

واژه‌های هم‌خانواده کلمات عربی

واژه	حروف اصلی	کلمات هم‌خانواده	واژه	حروف اصلی	کلمات هم‌خانواده
حضور	ح، ض، ر	حاضر، محضر، حُضار، احضار	خاطر	خ، ط، ر	خاطره، خواطر
بی‌رحم	ر، ح، م	رحمت، رحیم، رحمان	دعا	د، ع، و	ادعیه، استدعا، دعوت
وحشت	و، ح، ش	وحش، متوحش، توحش	غرور	غ، ر، ر	مغرور
تصویر	ص، و، ر	مصور، تصاویر، صورت	صفا	ص، ف، و	صافی، تصفیه، مصطفی
خطا	خ، ط، ء	خاطی، تخطئه، خطایا	عادت	ع، و، د	عادی، اعتیاد، معتاد

توجه: چون در تهیه مطالب این کتاب وقت و هزینه زیادی صرف شده است، بنابراین هرگونه کپی و اسکن از تمام یا بخشی از صفحات کتاب و نشر آن در فضای مجازی یا حقیقی یک نوع «جرم و سرقت» محسوب شده و حرام و خلاف اخلاق است.

سؤالات را با دقت بخوان، مغزت مثل یک تانک علمی آمادهٔ نبرد است.

سؤالات تکمیلی

دانش‌های زبانی

- ۱- در عبارات زیر معنی کلمات مشخص شده را بنویسید.

(۱) فرش‌هایش از گلیم و <u>بوریا</u> ست	(۲) رعد و برق شب، <u>طنین</u> خنده‌اش
(۳) <u>خشتی</u> از الماس و خشتی از طلا	(۴) <u>نیست</u> من در نماز و در دعا
- ۲- واژهٔ «راه» در دو عبارت زیر، چه تفاوت معنایی دارند؟

الف) هیچ کس را در حضورش راه نیست	ب) تشنگی و خستگی راه، او را از پای درآورده بود.
----------------------------------	---
- ۳- در کدام گزینه، یکی از معانی مقابل واژه‌ها درست نیست؟

الف) بی‌ریا: تظاهر، خودنمایی	ب) توفنده: خروشان، غوغاکننده
ج) خاطر: دل، ذهن	د) دلگیر: دلتنگ، غمگین
- ۴- در هر بیت، دو واژهٔ مترادف پیدا کنید.

الف) نیست من در نماز و در دعا	ترس بود و وحشت از خشم خدا
ب) پیش از اینها، خاطرم دلگیر بود	از خدا در ذهنم، این تصویر بود
- ۵- در گروه کلمات زیر، غلط‌های املایی را بیابید و اصلاح کنید.

«الماس و طلا، آج فیل، قصر پادشاه، غرور و تکبر، تاج پولک‌نشان، طنین خنده، رند و برق، ذهن و خاطر، مهربان و بی‌کینه»
- ۶- در بیت زیر، دو نادرستی املایی بیابید و اصلاح کنید.

«رعد و برق شب، تنین خنده‌اش سیل و طوفان، نعرهٔ طوفنده‌اش»
- ۷- در بیت زیر، یک واژه بیابید که در زبان فارسی برای آن، «هم‌آوا» وجود داشته باشد.

«تا که یک شب، دست در دست پدر راه افتادم به قصد یک سفر»
- ۸- در بیت زیر، مفعول‌ها را مشخص کنید.

«چشم دل باز کن که جان بینی آنچه نادیدنی است آن بینی»
- ۹- در مصراع «زود می‌گفتند: «این، کارِ خداست.» یک فعل با زمان گذشته و یک فعل با زمان مضارع پیدا کنید.

۱۰- در دو مصراع بیت زیر، نقش دستوری ضمیر «ش» را بررسی کنید.

«گفتمش: پس آن خدای خشمگین خانه‌اش اینجاست؟ اینجا در زمین؟»
- ۱۱- در مصراع «نام او نور و نشانش روشنی»، ضمیر جدا و پیوسته را مشخص کنید.

۱۲- در بیت زیر، نقش دستوری کلمات مشخص شده را بنویسید.

«رعد و برق شب، <u>طنین خنده‌اش</u>	سیل و طوفان، نعرهٔ <u>توفنده‌اش</u> »
------------------------------------	---------------------------------------
- ۱۳- در جملهٔ دوم بیت زیر، نهاد را مشخص کنید.

«زود می‌گفتند: «این، کارِ خداست» پرس و جو از کار او کاری خطاست»
- ۱۴- در بیت زیر، تفاوت فعل «نبود» را از لحاظ اسنادی و غیراسنادی، بررسی کنید.

«بود اما در میان ما نبود مهربان و ساده و زیبا نبود»

۱۵- در فعل‌های بیت زیر، یک بن گذشته و یک بن حال مشخص کنید.

«پیش از اینها، فکر می‌کردم خدا خانه‌ای دارد میان ابرها»

۱۶- با توجه به بیت زیر، به پرسش‌ها پاسخ دهید.

«زود پرسیدم: «پدر، اینجا کجاست؟» گفت: «اینجا، خانه خوب خداست»

(۱) بیت چند جمله است؟

(۲) نقش دستوری واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

(۳) یک فعل گذشته و یک فعل مضارع بیابید. (۴) در «خانه خوب خدا»، یک صفت و یک مضاف‌الیه مشخص کنید.

دانش‌های ادبی

۱۷- در بیت زیر قافیه و ردیف را مشخص کنید.

«زود پرسیدم: «پدر، اینجا کجاست؟» گفت: «اینجا خانه خوب خداست»

۱۸- در بیت زیر، شاعر چه کلماتی را «هم قافیه» قرار داده است؟

«ماه، برق کوچکی از تاج او هر ستاره پولکی از تاج او»

۱۹- شیوه بیان در دو نوشته زیر چگونه است؟

(الف) پهنه تاریک آسمان در ظلمت شب به نور ستارگان و درخشش ماه روشن می‌شود.

(ب) در ده چراغ نیست؛ شب‌ها به مهتاب روشن است و یا به قطره‌های درشت باران ستاره.

۲۰- در کدام یک از عبارات زیر از ادبیات بهره گرفته شده است؟ چرا؟

(الف) زمین به بهار نشست؛ بهار، گره از شکوفه باز کرد. گل، همچون یادی فراموش گشته در آغوش چمن شکفت.

(ب) بهار، فصل خوش و معتدل بود. درخت‌ها شکوفه می‌کرد. یک درخت به توی باغچه ما بود.

۲۱- در عبارت زیر جمله‌ای به شیوه ادبی نوشته شده است، آن را مشخص کنید؟

«ملخ، حواسی نیرومند و دو دندان پیش دارد که گیاهان را می‌چیند و خدا برای او دو چشم سرخ چونان ماه تابان آفرید.»

۲۲- دو بیت زیر را از لحاظ ساختار (شکل بیرونی) با هم مقایسه کنید.

(الف) ماه، برق کوچکی از تاج او هر ستاره، پولکی از تاج او

(ب) جهان، متفق بر الهیتش فرومانده از کُنه ماهیتش

۲۳- چرا شیوه بیان جمله «سحرگاهان، خورشید از پشت کوه‌های بلند طلوع کرد.» «زبانی» است؟

۲۴- در بیت زیر، آرایه تضاد را مشخص کنید.

«آن خدا بی‌رحم بود و خشمگین خانه‌اش در آسمان، دور از زمین»

۲۵- در بیت زیر، شاعر بین چه کلماتی آرایه مراعات نظیر ایجاد کرده است؟

«گفت: آری خانه او بی‌ریاست فرش‌هایش از گلیم و بوریاست»

۲۶- در بیت «عادت او نیست خشم و دشمنی نام او نور و نشانش روشنی»

(الف) کدام حرف‌ها، بیشتر از بقیه تکرار شده است؟ (ب) نام آرایه ادبی حاصل از این تکرار چیست؟

۲۷- اشاره قرآنی موجود در بیت زیر، سبب پیدایش کدام آرایه ادبی شده است؟

«دوستی از من به من نزدیک‌تر از رگ گردن به من نزدیک‌تر»

۲۸- آرایه مناسب هر بیت را از داخل کمانک انتخاب کنید.

- الف) ماه، برق کوچکی از تاج او هر ستاره، پولکی از تاج او (تشبیه / جناس)
 ب) چشم دل باز کن که جان بینی آنچه نادیدنی است، آن بینی (جناس / تشبیه)

معنی و درک مطلب

۲۹- معنی مصراع «هیچ کس را در حضورش راه نیست» در کدام گزینه آمده است؟

- الف) در حضور او به کسی اجازه ورود نمی‌دهند. ب) هیچ کس به درگاه او اجازه ورود ندارد.
 ج) برای حضور او، همه راه‌ها بسته است. د) مصلحت نیست کسی به بارگاه او، بی‌اجازه وارد شود.

۳۰- با توجه به بیت زیر، قصد شاعر از نماز خواندن و دعا کردن چه بوده است؟

«نیت من در نماز و در دعا ترس بود و وحشت از خشم خدا»

۳۱- در بیت زیر، منظور از «نماز ساده» چیست؟

«گفت: اینجا می‌شود یک لحظه ماند گوشه‌ای خلوت، نمازی ساده خواند»

۳۲- با توجه به بیت زیر به یکی از فواید وضو اشاره کنید.

«با وضویی دست و رویی تازه کرد با دل خود گفت و گویی تازه کرد»

۳۳- بیت زیر در توصیف چه خانه‌ای است؟

«گفت: آری خانه او بی‌ریاست فرش‌هایش از گلیم و پوریاست»

۳۴- آیه و بیت زیر، چه مفهوم مشترکی با هم دارند؟

الف) ما از رگ گردن به او (انسان) نزدیک‌تریم.

ب) دوستی از من به من نزدیک‌تر از رگ گردن به من نزدیک‌تر

۳۵- در بیت زیر به کدام صفات خداوند اشاره شده است؟

«می‌توانم بعد از این، با این خدا دوست باشم، دوست، پاک و بی‌ریا»

۳۶- کدام گزینه با پیام‌های عبارت زیر، ارتباطی ندارد؟

«مرد گفت: «خداوندش را بگوی که گرگ بُرد». غلام گفت: «به خدای چه بگوییم»؟!»

الف) امانت‌داری ب) خدا را ناظر کارها دانستن ج) دوری از گناه د) ترس از ارباب

خروس و روباه

زنگ تفریح

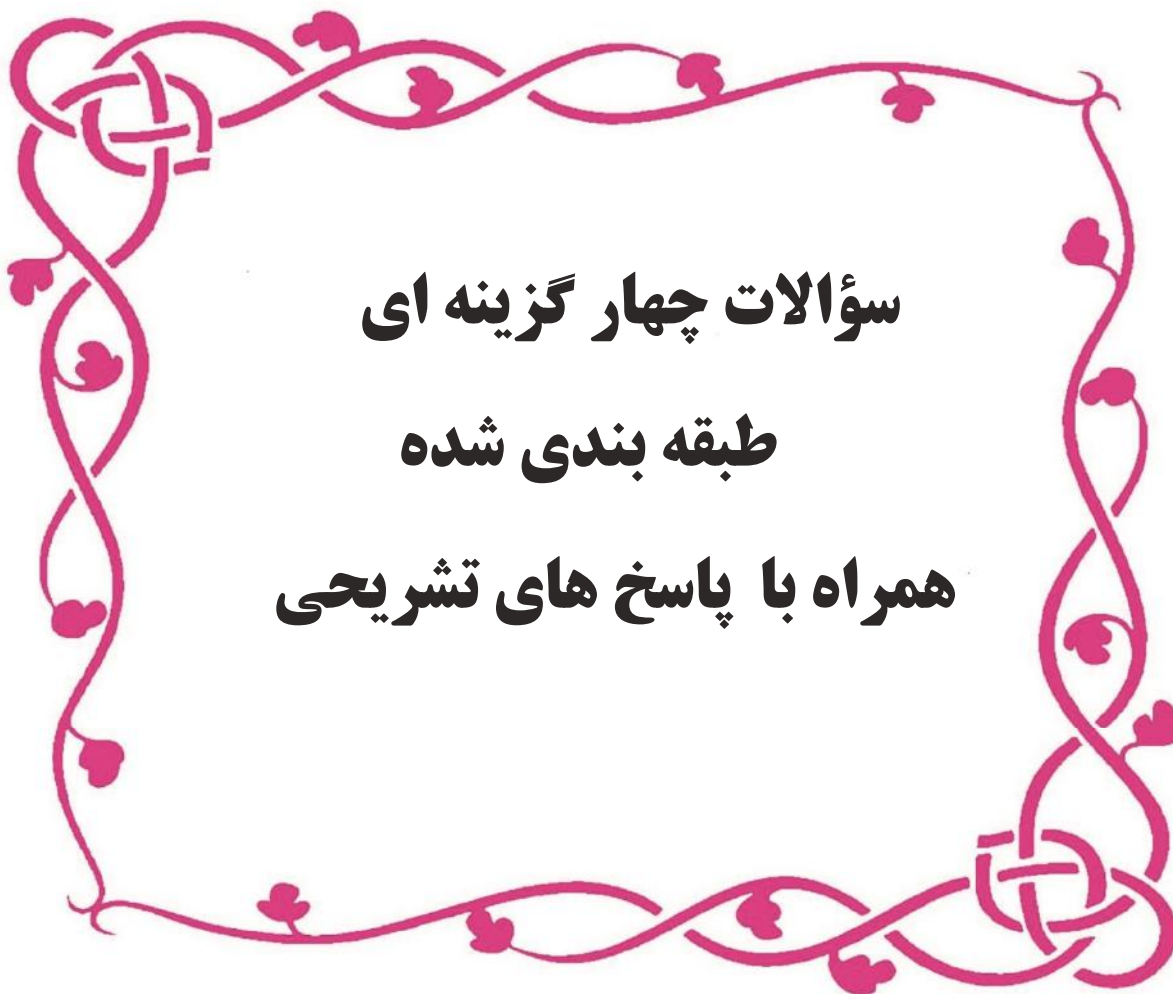
موقع سحر، خروسی بالای درخت شروع به خواندن کرد و روباهی که از آن حوالی می‌گذشت به او نزدیک شد. روباه گفت: تو که به این خوبی اذان می‌گویی، بیا پایین با هم به جماعت نماز بخوانیم. خروس گفت: من فقط مؤذن هستم و امام جماعت پای درخت خوابیده و به شیری که آن جا خوابیده بود، اشاره کرد. شیر به غرش آمد و روباه پا به فرار گذاشت. خروس گفت مگر نمی‌خواستی نماز بخوانیم؟ پس کجا می‌روی؟ روباه پاسخ داد: می‌روم تجدید وضو می‌کنم و برمی‌گردم.

پاسخنامه تشریحی

- ۱- ۱) بوریا: حصیری که از نی بافند
 ۲) طنین: آهنگ، انعکاس صدا
 ۳) خشت: آجر، آجر خام
 ۴) نیت: قصد، آهنگ، عزم
- ۲- الف) راه ← اجازه ورود (ب) راه ← جاده
 ۳- گزینه «الف» (بی‌ریا: بدون تظاهر، خودنمایی)
 ۴- الف) ترس و وحشت (ب) خاطر و ذهن
 ۵- آج ← عاج ذهن ← زهن رند ← رعد
 ۶- تنین ← طنین طوفنده ← توفنده
 ۷- هم‌آوای «راه» ← راح (شادمانی)
 هم‌آوای «سفر» ← صَفَر (یکی از ماه‌های سال قمری)
 ۸- چشم دل / جان / آن
 ۹- فعل گذشته: می‌گفتند فعل حال: است
 ۱۰- مصراع اول ← متمم (گفتمش ← به او گفتم)
 مصراع دوم ← مضاف‌الیه (خانه‌اش ← خانه او)
 ۱۱- ضمیر جدا ← او ضمیر پیوسته ← ش
 ۱۲- خنده ← مضاف‌الیه
 توفنده ← صفت بیانی
 ۱۳- این
 ۱۴- مصراع اول ← غیراسنادی،
 در معنای «وجود نداشت» فقط به نهاد نیاز دارد.
 مصراع دوم ← اسنادی، که به مسند نیاز دارد.
 ۱۵- بن گذشته ← «کرد» در فعل «می‌کردم»
 بن مضارع (حال) ← «دار» در فعل «دارد»
 ۱۶- ۱) پنج جمله
 ۲) اینجا ← نهاد خانه ← مسند
 ۳) فعل گذشته ← پرسیدم / گفت
 فعل حال ← است
 ۴) صفت ← خوب مضاف‌الیه ← خدا
- ۱۷- قافیه: کجا و خدا ردیف: است
 ۱۸- کوچکی و پولکی
 ۱۹- الف) زبانی
 ب) ادبی چون در «قطره‌های باران ستاره»، آرایه تشبیه دیده می‌شود.
 ۲۰- الف) چون از آرایه‌های ادبی همچون تشخیص، تشبیه، کنایه بهره برده شده است.
 ۲۱- خدا برای او دو چشم سرخ، چونان ماه تابان آفرید.
 ۲۲- ۱) هر دو بیت نظم هستند
 ۲) شیوه بیان هر دو ادبی است چون در بیت «الف»
 آرایه تشبیه و در بیت «ب» مجاز مشاهده می‌شود.
 ۳) واژه‌های بیت «الف» ساده و قابل فهم است اما
 واژه‌های بیت «ب» دشوار و دیرپاب هستند.
 ۲۳- چون کلمات در معنای حقیقی خود به کار رفته‌اند و
 پیام نوشته آشکار است و از طرفی از آرایه ادبی استفاده
 نشده است.
 ۲۴- آسمان و زمین
 ۲۵- فرش، گلیم و بوریا
 ۲۶- الف) «ن، ش» ب) واج‌آرایی
 ۲۷- تلمیح
 ۲۸- الف) تشبیه ب) جناس
 ۲۹- گزینه «ب»
 ۳۰- ترس و وحشت از خشم خدا
 ۳۱- نمازی که از ریاکاری دور باشد و با اخلاص خوانده شود.
 ۳۲- شادابی و نشاط
 ۳۳- مسجد
 ۳۴- خداوند از رگ گردن به انسان نزدیک‌تر است.
 ۳۵- «پاکی» و «بی‌ریایی»
 ۳۶- گزینه «د»



اطلاعات تکمیلی



سؤالات چهار گزینه ای

طبقه بندی شده

همراه با پاسخ های تشریحی

ستایش

دانش‌های زبانی ۱

۱- در کدام گزینه یکی از معانی مقابل واژه نادرست است؟

(۱) بخت: اقبال، عزّت (۲) صفا: پاکی، خلوص (۳) منتها: آخر، به پایان رسیده (۴) بَصَر: چشم، بینایی

۲- در میان واژه‌های زیر، معنای چند واژه نادرست است؟

(الهیّت: معنوی)، (تأمل کردن: اندیشیدن)، (بنی آدم: انسان)، (ماهیت: چیستی)، (جلال: عظمت)، (جمال: چهره)
(متّفق: متفاوت)، (کنه: عمق)، (محال: ناشدنی)،

(۱) شش (۲) پنج (۳) سه (۴) چهار

* ۳- در کدام گزینه «پرستار» در معنی مصراع «پرستار امرش همه چیز و کس» به کار رفته است؟

(۱) در ایوان، پرستار چندانکه بود
(۲) پرستار بسیار و چندین غلام
(۳) سال‌ها شد که هوادار وی‌ام
(۴) یکی دختر نارسیده به جای
همه نـزد رودابه رفتند زود
یکی پُر ز یاقوت و رخشنده جام
روی بـر خاک پرستار وی‌ام
کنم چون پرستار، پیشت به پای

۴- در همه ابیات واژه‌ای یافت می‌شود که همگی دارای معنی مشترکی هستند به جز گزینه ...

(۱) ذره تا مهر در این دایره سرگردانند
(۲) خداوند بخشنده دسـتگیر
(۳) ولیکن تو را بخت یاریگریست
(۴) دیده نادیده به اقبال تو ایمان آورد
تا که را جذبۀ توفیق مددکار شود
کریم خطابخش پوزش‌پذیر
زمینت رهی آسمان چاکرست
مرحبا ای به چنین لطف خدا ارزانی

۵- در کدام بیت غلط املایی دیده می‌شود؟

(۱) ظاهرست آثار و میوه رحمتش
(۲) در هیزم و گل تعمّلی کن که جهان
(۳) گفتم آیا که در این درد بخواهم مردن
(۴) عشق، زنده در روان و در بصر
لیک کی داند جز او ماهیتش
آن را به تبر شکافت و این را به صبا
که محال است که حاصل کنم این درمان را
هر دمی باشد ز غنچه تازه‌تر

۶- در کدام گزینه دو واژه مترادف دیده می‌شود؟

(۱) در خشکی ما بنگر و آن پرده تر برگو
(۲) ماهیت گلشن آن کس که دید
(۳) پی به کنه خویش بردن، کار هر بی ظرف نیست
(۴) با سرو، قامت شمشاد گو مروی
چشم تر ما را بین ای نور بصر برگو
کشف شد او را که یک خار نیست
خودشناسی، بحر را در قطره پیدا کردن است
با ماه، طلعت خورشید گو متاب

توجه: علامت * در کنار برخی از سؤالات، بیانگر این نکته است که سطح این سؤالات، فراتر از حدّ مطالب کتاب درسی است. بیشتر ویژه دانش آموزانی است که می‌خواهند برای آزمون‌های ورودی مدارس نمونه دولتی و تیزهوشان با سؤالات دشوارتری آشنا بشوند.

۷- در کدام گزینه دو واژه هم‌خانواده دیده می‌شود؟

- (۱) حقوق صحبت ما را به باد داد و برفت
- (۲) من نمی‌یابم مجال ای دوستان
- (۳) این صفا را از گلّه تیره مکن
- (۴) وصال ما و شما دیر متفق گردد

۸- تعداد جمله‌های کدام بیت با بقیه متفاوت است؟

- (۱) بشر ماورای جلالش نیافت
- (۲) تأمل در آیینۀ دل کنی
- (۳) محال است سعدی که راه صفا
- (۴) گلستان کند آتشی بر خلیل

۹- در همه گزینه‌ها به جز گزینه ضمیر شخصی پیوسته مشاهده می‌شود.

- (۱) ای نام نکوی تو، سردفتر دیوان‌ها
- (۲) به درگاه لطف و بزرگیش بر
- (۳) بشر ماورای جلالش نیافت
- (۴) پرستار امرش همه چیز و کس

۱۰- در کدام گزینه مفعول وجود ندارد؟

- (۱) گلستان کند آتشی بر خلیل
- (۲) تأمل در آیینۀ دل کنی
- (۳) به درگاه لطف و بزرگیش بر
- (۴) پرستار امرش همه چیز و کس

* ۱۱- در کدام گزینه نقش مسندی وجود ندارد؟

- (۱) ای نام نکوی تو، سردفتر دیوان‌ها
- (۳) جهان، متفق بر الهیتش

* ۱۲- نقش دستوری واژه‌های خط کشیده شده در کدام گزینه به ترتیب، صحیح آمده است؟

- | | |
|------------------------------|------------------------------|
| یکی را به سر، بر نهد تاج بخت | یکی را به خاک اندر آرد ز تخت |
| (۱) مفعول، مضاف‌آلیه | (۲) متمم، مفعول |
| (۳) مفعول، مفعول | (۴) مضاف‌آلیه، مفعول |

۱۳- در واژه‌های کدام گزینه بن فعل مضارع بیشتری یافت می‌شود؟

- (۱) پرستار امرش همه چیز و کس
- (۲) خداوند بخشندۀ دستگیر
- (۳) حکیم سخن در زبان آفرین
- (۴) وی طلعت تو، زینت‌ده عنوان‌ها

۱۴- در کدام مصراع تعداد واژه‌های غیر ساده با بقیه متفاوت است؟

- (۱) گلستان کند آتشی بر خلیل
- (۲) صفایی به تدریج حاصل کنی
- (۳) کریم خطابخش پوزش‌پذیر
- (۴) بنی‌آدم و مرغ و مور و مگس

دانش‌های ادبی

۱۵- در کدام بیت، کلمات قافیه درست مشخص شده است؟

- (۱) یکی را به سر، بر نهد تاج بخت
 (۲) به درگاه لطف و بزرگیش بر
 (۳) تأمل در آیینۀ دل کنی
 (۴) به نام خدایی که جان آفرید
- یکی را به خاک اندر آرد ز تخت
 بزرگان نهاده بزرگی ز سر
 صفایی به تدریج، حاصل کنی
 سخن گفتن اندر زبان آفرید

۱۶- در کدام بیت آرایه «جناس ناهمسان» دیده نمی‌شود؟

- (۱) یکی را به سر، بر نهد تاج بخت
 (۲) به درگاه لطف و بزرگیش بر
 (۳) بشر ماورای جلالش نیافت
 (۴) تأمل در آیینۀ دل کنی
- یکی را به خاک اندر آرد ز تخت
 بزرگان نهاده بزرگی ز سر
 بصر، منتهای جمالش نیافت
 صفایی به تدریج حاصل کنی

۱۷- در همه ابیات به جز گزینه ردیف به چشم می‌خورد.

- (۱) جهان، متفق بر الهیتش
 (۲) بشر ماورای جلالش نیافت
 (۳) تأمل در آیینۀ دل کنی
 (۴) به نام خداوند جان آفرین
- فرو مانده از کنه ماهیتش
 بصر، منتهای جمالش نیافت
 صفایی به تدریج، حاصل کنی
 حکیم سخن در زبان آفرین

۱۸- در کدام مصراع‌ها، آرایه تشبیه وجود دارد؟

- الف) گروهی بر آتش برد ز آب نیل
 ج) تأمل در آیینۀ دل کنی
- ب) یکی را به سر، بر نهد تاج بخت
 د) ای نام نکوی تو، سردفتر دیوان‌ها

(۱) الف و ب (۲) ب و ج (۳) ج و د (۴) الف و د

۱۹- در بیت زیر، کدام آرایه وجود ندارد؟

- «یکی را به سر، بر نهد تاج بخت»
 (۱) جناس (۲) کنایه (۳) تلمیح (۴) تشخیص
- یکی را به خاک اندر آرد ز تخت

درک مطلب

۲۰- مفهوم کدام عبارت نادرست است؟

- (۱) بشر ماورای جلالش نیافت
 (۲) پرستار امرش همه چیز و کس
 (۳) جهان، متفق بر الهیتش
 (۴) یکی را به خاک اندر آرد ز تخت
- (شکوه و جلال هیچ کس بالاتر از خداوند نیست.)
 (همه موجودات از فرمان خداوند اطاعت می‌کنند.)
 (مردم در خدایی او، هم فکر هستند.)
 (ذلت و خواری دست خداوند است.)

۲۱- پیام همه ابیات به جز بیت یکسان است.

- (۱) ای نام تو بهترین سر آغاز
 (۲) ای که با نامت، جهان آغاز شد
 (۳) بر تو یسیر= (آسان) کرد خداوند کار تو
 (۴) ای نام نکوی تو، سر دفتر دیوان‌ها
- بی نام تو نامه کی کنم باز
 دفتر ما هم به نامت باز شد
 ایزد کناد کار همه بندگان یسیر
 وی طلعت روی تو، زینت ده عنوان‌ها

۲۲- مفهوم مصراع دوم بیت زیر، در کدام بیت دیده می‌شود؟

- «به نام خداوند جان آفرین»
 (۱) بنیاد سخن به نام حق به
 (۲) به نام آن که در ما گفتن آموخت
 (۳) چو هرمز سخن گفتن آغاز کرد
 (۴) تا که سخن از دل و از دلبهر است
- حکیم سخن در زبان آفرین»
 کز هر چه به است نام حق، به
 به انسان در معنی سفتن آموخت
 در دانشش ایزدی باز کرد
 نام خدا زینست هر دفتر است

۲۳- تلمیح مصراع «گلستان کند آتشی بر خلیل» در کدام گزینه دیده نمی‌شود؟

- (۱) به تولای تو در آتش محنت چو خلیل
 (۲) همچو ابراهیم گامم جانب آتش برد
 (۳) ز آتش شهوت نسوزد اهل دین
 (۴) چون خلیلی هیچ از آتش مترس
- گویا در چمن لاله و ریحان بودم
 همچو احمد گامم از آتش سوی کوثر کشد
 باقیان را برده تا قعر زمین
 من ز آتش صد گلستانم کنم

۲۴- مفهوم بیت «یکی را به سر، بر نهج تاج بخت / یکی را به خاک اندر آرد ز تخت» با کدام گزینه ارتباط معنایی ندارد؟

- (۱) گلستان کند آتشی بر خلیل
 (۲) یکی را دهد تاج و تخت و کلاه
 (۳) کلاه سعادت یکی بر سرش
 (۴) آن را که با طمع سرو کار است
- گروهی بر آتش برد ز آب نیل
 یکی را نشانند به خاک سیاه
 گلیم شقاوت (= بد بختی) یکی در برش
 گر عزیز جهان بود، خوار است

۲۵- مفهوم کدام بیت با توجه به آیه «تُعْزُّ مِنْ تَشَاءٍ وَ تَذِلُّ مِنْ تَشَاءٍ = هر کس را بخواهی، عزت می‌دهی و هر که را بخواهی خوار می‌کنی» متفاوت است؟

- (۱) یکی را همی تاج شاهی دهد
 (۲) یکی را که در بند بینی مخند
 (۳) یکی را ز ماهی رساند به ماه
 (۴) یکی را دهد تاج و تخت بلند
- یکی را به دریا به ماهی دهد
 مبادا که روزی درافتی به بند
 یکی را ز ماه اندر آرد به چاه
 یکی را کند خوار و زار و نژند

۲۶- مفهوم کدام بیت با بقیه متفاوت است؟

- (۱) جهان، متفق بر الهیستش
 (۲) بیان وصف تو گفتن نه حد امکان است
 (۳) کسی ماهیت ذاتش نداند
 (۴) کس ز آغاز و ز انجام جهان آگه نیست
- فرو مانده از کُنه ماهیتش
 چرا که وصف تو بیرون ز حد اوصاف است
 که کس با او و او با کس نماند
 اول و آخر این کهنه کتاب افتاده است

* ۲۷- بیت «بشر، ماورای جلالش نیافت / بصر، منتهای جمالش نیافت» با کدام گزینه ارتباط معنایی ندارد؟

- (۱) گویی جمال او که ببیند چنان که اوست؟
 (۲) مرا سخن به نهایت رسید و فکر به پایان
 (۳) هر چه گفتیم در اوصاف کمالیت تو
 (۴) فکرم به منتهای جمالت نمی‌رسد
- الّا به راه دیده سعدی نظر کنند
 هنوز وصف جمالت نمی‌رسد به نهایت
 همچنان هیچ نگفتیم که صد چندین است
 کز هر چه در خیال من آید، نکوتری

* ۲۸- مفهوم کدام گزینه با بقیه متفاوت است؟

- (۱) به درگاه لطف و بزرگیش بر
 (۲) پادشاهان بر درش سر بر زمین
 (۳) از آن زمان که زمین بوس آستان توام
 (۴) سر پادشاهان گردن فراز
- بزرگان نهاده، بزرگی ز سر
 می‌نهند از بهر لطف راحمین
 سر ملوک جهان، جمله بر زمین من است
 به درگاه او بر زمین نیاز

پاسخ تشریحی سؤالات

- ۱- گزینه «۳» منتها: آخر، به پایان رساننده
- ۲- گزینه «۴» صحیح واژه‌های نادرست:
الهیّت: خدایی متّفق: هم فکر، هم رای، هم داستان
کُنه: ذات، حقیقت چیزی جمال: زیبایی، نیکویی
- ۳- گزینه «۳» در گزینه «۳» پرستار به معنی «مطیع و فرمانبردار»، اما در سایر گزینه‌ها به معنی خدمتکار است.
- ۴- گزینه «۴» در گزینه های «۱ و ۲ و ۳» واژه‌های «مددکار، دستگیر و یاریگر» مترادف هم هستند.
- ۵- گزینه «۲» تعمل ← تأمل
- ۶- گزینه «۱» در این گزینه، واژه‌های «چشم» و «بَصَر» مترادف هستند.
- ۷- گزینه «۲» در این گزینه، واژه‌های «جمال» و «جمیل» هم خانواده هستند.
- ۸- گزینه «۳» گزینه های ۱ و ۲ و ۴ هر کدام از «جمله» و بیت گزینه «۳» از «۳ جمله» تشکیل شده.
- ۹- گزینه «۱» در گزینه های ۲ و ۳ و ۴ ضمیر «ش» در کلمات «بزرگیش، جلالش، جمالش، امرش» ضمیر شخصی پیوسته محسوب می‌شوند. در گزینه «۱»، ضمیر تو، ضمیر شخصی گسسته است.
- ۱۰- گزینه «۴» در گزینه های ۱ و ۲ و ۳ به ترتیب کلمات «آشتی، گروهی، صفایی، بزرگی» مفعول هستند.
- ۱۱- گزینه «۴» بررسی مسند در سایر گزینه‌ها:
گزینه (۱) ای کسی که نام نکوی تو، سردفتر دیوان هاست ← مسند
گزینه (۲) همه چیز و کس پرستار امرش هستند ← مسند
گزینه (۳) جهان بر الهیتش متفق هستند ← مسند
- ۱۲- گزینه «۴»
یکی را به سر ← به سر یکی ← مضاف‌الیه
خداوند یکی را از تخت به خاک اند آرد ← مفعول
- ۱۳- گزینه «۲» بررسی بن فعل در سایر گزینه‌ها:
گزینه (۱) پرستار ← پرست
گزینه (۲) بخشنده ← بخش دستگیر ← گیر
گزینه (۳) سخن‌آفرین ← آفرین
گزینه (۴) زینت‌ده ← ده
- ۱۴- گزینه «۳» بررسی واژه‌های غیر ساده:
گزینه (۱) گلستان (گل + ستان)
گزینه (۲) به تدریج (به + تدریج)
گزینه (۳) خطاببخش (خطا + بخش)،
پوزش‌پذیر (پوزش + پذیر)
گزینه (۴) بنی‌آدم (بنی + آدم)
- ۱۵- گزینه «۳» در این گزینه کلمه‌های «حاصل» و «دل» کلمات قافیه و «کنی» ردیف است
- ۱۶- گزینه «۴» جناس در سایر گزینه‌ها:
(۱) بخت و تخت (۲) بر و سر (۳) بشر و بصر/ جمال و جلال
- ۱۷- گزینه «۱» در گزینه «۱»، واژه‌های «الهیّت و ماهیتش» کلمات قافیه هستند و در سایر گزینه‌ها کلمات «نیافت، کنی، آفرین» ردیف محسوب می‌شوند.
- ۱۸- گزینه «۲» موارد تشبیه:
گزینه ب) تاج بخت گزینه ج) آیینۀ دل
- ۱۹- گزینه «۴»
کنایه: تاج بر سر نهادن (به عظمت رساندن)،
از تخت به خاک آوردن (ذلیل و بیچاره کردن)
جناس: بخت و تخت تشبیه: تاج بخت (بخت مانند تاج)
تلمیح: اشاره به آیه قرآن (تُعَزَّمَن تَشَاءَ وَ تُذِلُّ مَن تَشَاءَ)
- ۲۰- گزینه «۱» مفهوم صحیح گزینه «۱»: بشر از درک شکوه و عظمت خداوند ناتوان است.
- ۲۱- گزینه «۳» در گزینه «۳» «به اینکه خداوند کارها را آسان می‌کند» اشاره شده است اما در سایر ابیات بر این مطلب تأکید شده که همه کارها با نام خدا آغاز می‌شود.